

Naseroddin Parvin, "The Ever-lasting Journals of Iraj Afshar,"  
*Iran Nameh*, 27:1 (2012), 90-97.

# پیایندنگاری‌های ماندگار افشار

ناصرالدین پروین

روزنامه‌شناس و تاریخ‌نگار



به نظر می‌رسد اکثری از حرفه‌ها را باید از نو تعریف کرد. از جمله، نام‌هایی ست که بر پیایند‌های (روزنامه‌ها و مجله‌ها)<sup>۱</sup> مختلف می‌نهند؛ یعنی آنچه به صورت کاغذی یا رایانه‌ای در زمان معین انتشار می‌یابد و مخاطبان پرشمار دارد. آشفتگی در نام‌گذاری این‌گونه

ناصرالدین پروین (زاده ۱۳۲۴) تاریخ‌نگار مطبوعات است و در این زمینه مقاله‌های بسیاری نوشته‌است. از جمله کتاب‌های ایشان عبارتند از: تاریخ روزنامه‌نگاری ایران و دیگر پارسی‌نویسان (تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۷) و نصرت‌الدوله و میل‌سپو: پایان مأموریت آمریکایی‌ها در ایران (تهران: اساطیر، ۱۳۸۱).

<sup>۱</sup> پیایند واژه برگزیده فرهنگستان زبان و ادب فارسی برای روزنامه و مجله است به جای واژه نادرست مطبوعات و ترکیب دراز مطبوعات ادواری یا موقوت.

تا کنون، حتی میان اهل حرفه هم مرزهای *magazine*, *specialized magazine*, *class magazine*, *journal* و چندین نام‌گذاری مشابه

این مقاله، دیده شد بر پاره از فعالیت‌های ارزنده استاد روانشاد ایرج افشار، نام‌هایی نهاده و او را "روزنامه‌نگار"، "مجله‌نگار" و "ادواری نامه‌نویس"<sup>۳</sup> و مانند اینها خوانده‌اند.

در باره "روزنامه‌نگاری" (به معنای برابر با واژه ژورنالیسم در زبان‌های اروپایی) آن بزرگوار، باید بگوییم که او تنها به گونه محدودی از آن یعنی مجله تخصصی پرداخت، بل، تا آنجا که من در یافته‌ام، از روزنامه و روزنامه‌نگار پرهیز می‌کرد؛ حال آن که عده از بزرگان ادب و پژوهش‌مان، در دوره از زندگانی خود بدان رو آورده‌اند: دهخدا، بهار، تقی‌زاده، حجازی، کسروی، نفیسی، جمال‌زاده، پورداد، محیط طباطبایی، بهمنیار، باستانی‌پاریزی، فرخی یزدی، پروین گنابادی، دشتی، مشیرسلیمی، سرمد، مشایخ فریدنی، فلسفی (نصرالله)، طبری، صفا، شاملو، آل‌احمد... البته افشار اهل تاریخ و ادب و رجال‌شناسی بود و از این رو، در باره تاریخ روزنامه‌نگاری، هم خود کارهای ارزنده ارائه داد و هم مشوق پژوهشگران شد.

"مجله‌نگاری" ایرج افشار نیز دایره محدودی داشت و شرحش را خواهیم داد. کوتاه سخن آن که وی در این زمینه‌های چاپی، بیش از هر چیز "ناشر" مقاله‌نامه‌های ناروزآمد پژوهشی و در بردارنده متن‌های کهن بود که گاه به صورت ادواری و گاه به صورت شماره‌گذاری شده همچون فرهنگ ایران زمین و نامواره دکتر محمود افشار و دفتر تاریخ... و گاه به گونه یادنامه و ارجنامه مستقل زیر نظر او در آمده‌اند.

آقای قاسمی از محققان کوشا و نامبردار تاریخ مطبوعات ایران- در اصل کتابشناس و از شاگردان روانشاد ایرج افشار- فهرست تمامی شماره‌های ادواری نامه‌هایی که او زمانی در آنها نقشی داشته، به علاوه پاره از مطالب جنبی، در دوهزار صفحه منتشر ساخته است.<sup>۴</sup>

یک رشته از کارهای افشار، همکاری قلمی با مجله‌های فرهنگی بود. برخی از این همکاری‌ها، به درازا کشید



حرفه‌ها، در همه زبان‌ها دیده می‌شود و در واقع، پی‌آمد تفاوت کارکرد رسانه‌های چاپی با یکدیگر از سویی و سهل‌انگاری در کاربرد اصطلاح‌ها از سوی دیگر است.<sup>۲</sup> افزون بر اشتغال ذهنی دیرین درباره آن چه گذشت، این اشاره را از آن رو بایسته انگاشتم که در پیوند با موضوع

روشن و واضح نیست.

بسیاری جزوه‌ها و نوشتارها هم ادواری (periodical) اند، اما روزنامه یا مجله نیستند. مانند داستان‌هایی که در قدیم به صورت جزوه با شماره‌گذاری و در روز معین توزیع می‌شدند و بسیاری از شب‌نامه‌های شماره‌دار دوره جنبش مشروطه‌خواهی که آن‌ها را

کسانی به نادرست روزنامه انگاشته‌اند.

<sup>۳</sup>سید فرید قاسمی، ایران‌شناس مجله‌نگار(تهران: خانه فرهنگ و هنر گویا و نشر امرود، ۱۳۸۹).

<sup>۴</sup>بابا شمل، شماره ۱۰۱ (۱۶ اردیبهشت ۱۳۲۴).



دکتر محمود افشار، ایرج افشار و بزرگ علوی، منبع: گنجینه پژوهشی ایرج افشار

### مجله‌نگاری

مجله مهر - تجربه‌های مدیریت داخلی و چاپخانه و پادویی<sup>۶</sup> مجله پدر به کنار، نخستین مجله‌نگاری افشار در مجله مهر بود که آن را [عبدالله] مجید موقر ملقب به مترجم الممالک (؟) - تهران، آبان ۱۳۴۶) از خرداد ۱۳۱۲ در تهران منتشر ساخت؛ اما از دی ۱۳۱۷ تا مهر ۱۳۲۱ و از تیر ۱۳۲۲ تا فروردین ۱۳۳۱ که افشار به عنوان سردبیر معرفی شد، مجله در نمی‌آمد. وی، خود سال آغاز به کارش در آن مجله را به نادرست ۱۳۳۰ نوشته است.<sup>۶</sup> سردبیری‌اش در آن سال‌های پرآشوب، پس از ۱۸ شماره و خاموشی مجدد مهر، پایان گرفت. مهر خود را "علمی، ادبی، اقتصادی، تاریخی، سیاسی، اجتماعی، هنری" معرفی می‌کرد و در کنار شعرها و مقاله‌های متوسطی در هر زمینه و بحث‌های اجتماعی و سیاسی روز، چند مقاله پژوهشی یا گزارشی خوب هم در برداشت. روزنامه‌نگار سیاسی و با سابقه همچون موقر، کسی نبود که عنان اختیار مجله‌اش را به دست سردبیری کم‌تجربه بسپارد. بی‌گمان گزینش نهایی نوشتارها و بسیاری از دیگر کارهای سردبیری را همو انجام می‌داده است. موقر مقاله‌های سیاسی و پاره‌ای از بحث‌های مهم را خود می‌نوشت.

### کتاب‌های ماه و چند مقاله نامه ادواری

افشار از سال ۱۳۳۱ مقاله نامه گرانقدر فرهنگ ایران زمین، از سال ۱۳۳۳ فهرست نامه کتاب‌های ایران را درآورد و هر دو ادواری بودند، اگرچه با وقفه‌هایی

و به حرفه روزنامه‌نگاری نزدیک شد. مهمترین شان، "تازه‌ها و پاره‌های ایران‌شناسی" اوست که در آن نظرها، نکته‌ابی‌ها، نویافته‌ها، خبرهای نشر و گزارش همایش‌های علمی و پژوهشی داخل و خارج، رجال‌شناسی و به ویژه پرسه‌نگاری (نکروولوژی)، خاطره‌های دور و نزدیک... آمده است. این "ستون" خبری - گزارشی - پژوهشی و مصور، هواداران فراوان و وفادار داشت؛ تا آنجا که بسیاری از خوانندگان مجله را گشوده نخست به سراغ آن می‌رفتند. "تازه‌ها و پاره‌های ایران‌شناسی" از مهر ۱۳۷۳ در مجله کلک آغازید و به همراه علی دهباشی به بخارای او کوچید.

عنوان‌یابی‌های ایرج افشار، هم در باره نام نشریه و کتاب و هم مقاله، نشانه ذوقی بود که به مرور بارور شد. وی، بر زبان روزنامه‌نویسی و مجله‌نویسی چیرگی کافی نداشت و یا نسبت به آن بی‌اعتنا بود. شاید او را بتوان آخرین ناشر پیامدهای فرهنگی دانست که به مانند گذشتگان خود از جمله وحید دستگردی، حبیب یغمایی، عباس اقبال و چند تن دیگر، با این روش سر کرده است.

<sup>۱</sup> ایرج افشار، نادره کاران، به کوشش محمود نیکویه (تهران: نشر قطره، ۱۳۸۳)، ۲۰۳.

<sup>۲</sup> ایرج افشار، "سخنی چند با دوستان آینده"، آینده، سال ۶، ش ۹-۱۲ (اسفند ۱۳۵۹).

<sup>۳</sup> ایرج افشار، "بادداشت بی‌عنوان"، آینده، سال ۷، شماره ۱ و ۲ (فروردین و اردیبهشت ۱۳۶۰).



### مجله آینده

انقلاب اسلامی، ساحت به انزوا خو گرفته اهل فرهنگ و پژوهش را هم سخت به لرزه درآورد. فرهنگ ایران زمین کسی همچون افشار را می‌طلبد تا از "خویش برون آید و کاری بکند"؛ تا در میان آن هیاهوها و در حالی که تندباد اتهام‌ها بر او نیز وزیدن گرفته بود؛ تا در آن "ایام دشواری‌های گونه‌گون و پراگندگی و گسستگی" به کاروی و آفرینش بپردازد و "آنقدر که می‌توان نگاهبان فرهنگ ایرانی باشد".<sup>۸</sup>

افشار، با فراغت خواسته یا ناخواسته از کار دولتی، در غیاب نشریه‌های فرهنگی مستقل و بری از کشاکش‌ها، به کاری کارستان دست یازید و نام آینده پدر را که توانست پنج سال هم شاهد نشر آینده فرزند باشد، زنده کرد. آینده از فروردین ۱۳۵۸ تا اسفند ۱۳۷۲ بار آن نشریه‌های غایب را تا آرام‌تر شدن وضع و انتشار پیاپی‌های آبرومند دیگر به دست جوان‌ترها، بر دوش کشید.

آینده ایرج افشار شباهتی جز نام با آنچه محمود افشار پیشتر منتشر ساخته بود (تیر ۱۳۰۴، آبان ۱۳۰۵، مهر ۱۳۲۳، اسفند ۱۳۲۴) نداشت. این نشریه، "مجله تحقیقات ایرانی، تاریخ و ادبیات و کتاب" بود و می‌خواست از هر چه با فرهنگ ایرانی و زبان فارسی پیوند دارد، سخن بگوید. طرح روی جلد به راهنمای کتاب می‌مانست؛ اما مقاله‌هایش کمتر و متنوع‌تر از آن بود و نوشتار و سروده و یادداشت‌های کوتاه و بلند فراوان و تصویر هم در برداشت. ایرج افشار، آینده را پانزده سال - یک سال سه ماهه، سپس دو ماهه و سرانجام به عنوان ماهنامه - منتشر

چند. با مجله سخن هم که از همه جهت زیر نظر مستقیم ناشرش، پرویز ناتل خانلری (تهران، اسفند ۱۲۹۲ - یکم شهریور ۱۳۶۹)، تنظیم می‌شد، در سال‌های ۱۳۳۳-۱۳۳۵ همکاری نزدیک کرد و کار اصلی‌اش ستون‌نویسی آن مجله در باره کتاب‌شناسی بود. اما افشار که اینک به‌عنوان کتاب‌شناس و کتابدار برجسته شهرت یافته بود، در سال ۱۳۳۴، دست‌اندر کاری نشریه به نام کتاب‌های ماه را برعهده گرفت که می‌توان آن را به درستی مجله تخصصی خواند؛ زیرا افزون بر تنوع، محتوایش پیوندی شایسته با زمان انتشار داشت. کتاب‌های ماه، خود را "نشریه انجمن ناشران کتاب" معرفی می‌کرد و هدایتش به دست همایون صنعتی‌زاده (تهران، خرداد ۱۳۰۴ و کرمان، ۴ شهریور ۱۳۸۸) مدیر انتشارات فرانکلین بود. وی، از شماره دوم اداره این نشریه را - که شماره نخستش در شهریور ۱۳۳۴ در آمده است - به ایرج افشار سپرد؛ اما نام گردانندگان کتاب‌های ماه در آن به چاپ نمی‌رسید.

کتاب‌های ماه به هر چیزی که در ایران و جهان به کتاب و کتاب‌نویس و کتاب‌خوان مربوط می‌شد می‌پرداخت: خبر، تازه‌های بازار کتاب، بخش گزیده‌یی از کتاب‌های نو انتشار، نقد کتاب، شرح حال اهل قلم، پیشرفت‌های فنی، نسخه‌خوانی، گزارش در باره کتابخانه‌های ایران و ایران، مسایل حقوقی نشر، شعر در باره کتاب و غیره. این تنوع که بیشتر ناشی از تنوع بازار عمومی کتاب است، کتاب‌های ماه را به مجله دلچسب تبدیل ساخته بود؛ اما ماهنامه کم کم از نفس افتاد و پس از مدتی انتشار نامنظم، در آستانه بهار ۱۳۴۰ آخرین شماره خود را منتشر ساخت.

کتاب‌های ماه در حال نشر بود که راهنمای کتاب با صاحب امتیازی استاد احسان یارشاطر درآمد (بهار ۱۳۳۷ - زمستان ۱۳۵۷). مدیریت را در نخستین شماره‌ها به دو استاد و کتاب‌شناس برجسته، ایرج افشار و مصطفی مقربی، سپردند و به زودی تمام کار برعهده افشار افتاد. این نشریه، تخصصی‌تر و سنگین‌تر از کتاب‌های ماه بود؛ به مقاله‌نامه نقد کتاب نزدیک‌تر و از مجله دورتر.

افشار، تا به تخت نشستن انقلاب اسلامی، غرق در کار کتاب (کتابداری و متن‌شناسی و نسخه‌شناسی و نشر کتاب و آموزش کتابداری...) بود. هم‌زمان با انتشار راهنمای کتاب، نشریه نسخه‌های خطی را هم با همکاری دوست همگامش محمد تقی دانش‌پژوه منتشر ساخت (۱۳۳۹-۱۳۶۲). به همین گونه، نشریه حاوی نقد کتاب و آموزش کتابداری و گزارش اداری به نام کتابداری. هرودی اینها، مقاله‌نامه‌هایی ادواری و با اندک وابستگی به زمان انتشار بودند و جز در میان اهل حرفه، نمودی نداشتند.

<sup>۸</sup> ایرج افشار، "یادداشت در باره تجدید انتشار آینده"، آینده، سال ۵، شماره ۱-۳ (بهار ۱۳۵۸).

<sup>۹</sup> ایرج افشار، "ایران گرانقدر مجله"، آینده، سال ۱۰، ش ۸ و ۹ (آبان و آذر ۱۳۶۳).

روی جلد چاپ شده است: اللّٰهُ صالِح، علی اکبر دهخدا، غلامحسین صدیقی، محیط طباطبائی... شماره نخست آینده را در چاپخانه حروفچینی کردند. از شماره بعد، پردازش صفحه‌ها با ماشین تحریر آی.بی.ام صورت گرفت که در آن سال‌ها ارزانتین وسیله بود؛ اما چشم را نمی‌نوخت. شماره حروف مجله ۱۲ بود؛ به سبب گرانی کاغذ و زیادی مطلب، آن را از سال ۱۳۶۶ با حروف ۱۰ نازک چاپ کردند و چون به همان سبب‌ها، رنگ مرکب هم پرید، ناشر با گلابیه‌های فراوان خوانندگان رو به رو شد. تنها از سال دوازدهم (۱۳۶۵) به تک‌فروشی هم رو آوردند. ۱۵۰ اشتراک آینده را موقوفات دکتر محمود افشار یزدی می‌خرید تا "برای دانش پژوهان و ایران‌شناسان و کتابخانه‌های عمومی و دانشگاهی داخل و خارج به رایگان ارسال شود." ۱۲ در مورد اشتراک، افشار از یاری‌های فرزندان‌ش که در آمریکا می‌زیستند و همچنین فلیکس وایگل از مدیران موسسه انتشاراتی "هارا سویتس" ۱۳ هم یاد کرده است. وایگل، حدود پنجاه مشترک برمشترکان آینده افزود. شمارگان مجله دو هزار بود.

آینده دفتر مجهری را در ساختمان موقوفات دکتر محمود افشار در اختیار داشت که پولی بابت آن پرداخت نمی‌شد. در آن‌جا، هر روز عصر، اهل فرهنگ و ادب گرد می‌آمدند و به مبادله نظرهای خود می‌پرداختند. در سال‌های نخست انقلاب، فضای چنین پاتوق‌هایی که اکثر حاضرانش از استادان تصفیه‌شده یا کنار رفته و یا مورد بی‌اعتنایی بودند، ناگزیر آکنده از بحث‌های تند، اگر چه بیشتر در باره سیاست‌های فرهنگی روز بود؛ اما افشار کمتر در مجلس این بزرگان می‌نشست و بیشتر به کارهای مجله و بنیاد موقوفات و نشر کتاب‌ها و قرارهای ملاقات خود می‌پرداخت. ۱۴ وی، سرانجام، خود این محفل خطرآفرین را برچید. انگیزه خاموشی آینده نیز جز بیم خطر نبوده است: مجله، دفتر رایگان، نویسندگان برجسته و رایگان‌نویس، فروش خوب و اعتبار مطلوب داشت. افزون بر این، معرفی کتاب‌هایی که بنیاد موقوفات یا شخص افشار به چاپ می‌رساندند و حتی آگهی رایگان در باره آنها، سودهای مادی و معنوی بسیاری برای او در برداشتند. بنابراین، ناشر در آن هنگام بهانه بیماری آورد و سپستر

ساخت؛ اما اغلب شماره‌ها توأمان بودند. وی، سال‌شمار مجله خود را بعد از گذشت آن‌همه سال، به آینده پیشین ربط داد و این، شاید به نوعی ادای احترام به محمود افشار بوده است.

در سرمقاله نخستین شماره، افشار از مجله پدر که "به مناسبت تحصیلات و تمایلات مؤسس و بنیاد گذارش سیاسی و ادبی بود" یاد کرد و نوشت: اینک مجله با روش ادبی و تاریخی، مخصوصاً به منظور ارائه مقالات مربوط به تحقیقات ایرانی (ایران‌شناسی) و معرفی و نقد کتاب‌های تازه و نشر اسناد و مدارک قدیمی زیر نظر و با مسئولیت مستقیم این جانب [...] منتشر خواهد شد. البته سعی راستین مجله در آن است که به مانند گذشته آن و به مانند هر ایرانی علاقه‌مند به فرهنگ استوار ملی، مدافع زبان فارسی و تعمیم آن و پایمردی کوشا در نگاهبانی مآثر ارزشمند گذشته باشد. امید می‌ورد همه تجربیاتی که حدود سی سال در راه نشر چند مجله و خدمات فرهنگی و انتشاراتی اندوخته شده، در این راه به کار بسته شود [...]. آن‌هم دور از هر گونه بستگی و پیوستگی به این و آن و دور از هر نوع هیجان که خاص طبع روز و این‌ا زمانه است. ۹

در آینده، سال‌ها به اعلام نام بنیادگذار و صاحب امتیاز بسنده می‌شد؛ اما افشار از یاری همکاران همیشگی‌اش کریم اصفهانیان و قدرت‌الله روشنی زعفرانلو برخوردار بود. محمد رسول دریاگشت هم که به مانند روشنی از همکاران وی در کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران بوده است، کار غلط‌گیری مجله را برعهده داشت<sup>۱۰</sup> و محمد احصایی بسیاری از کارهای خوشنویسی را انجام می‌داد. در پنج سال آخر، "همکاران مدیر" را به این شرح معرفی کردند: کریم اصفهانیان (مدیر امور اداری)، بابک افشار (مدیر داخلی)، محمد رسول دریاگشت (مدیر امور چاپی)، قدرت‌الله روشنی زعفرانلو (مدیر امور همکاری)، افشار، نام سه پسر دیگرش را بدون ذکر مسئولیت آنان، به این صورت می‌افزود و بعدها نوشت که خواهرزاده‌اش بهداد اربابی هم مدت کوتاهی به او یاری رسانده است. ۱۱ آینده را چاپخانه بهمن با حدود ۱۰۰ صفحه یک ستونی به چاپ می‌رساند. از سال دوم، گرافیک روی جلد کار هنرمند برجسته مرتضی ممیز بود و همو، سرعنوان‌های همیشگی بخش‌های گوناگون مجله را نیز طرح‌ریزی کرد. به مناسبت بخشی از محتوا، از دومین سال عکسی نیز در

۱۰ دانشکده صدا و سیما (بعده) بود و به کارهای پژوهشی ادامه می‌داد، چند بار برای دیدار با افشار و با یکی دیگر از فرهنگ‌مداران به آنجا رفته است.

۱۱ فهرست مجله آینده، پنجاه و پنج. محمد گلبن و محمد افسری، ۳۵. ۱۲ ایرج افشار، "گذشته"، سی و سه و اشاره به "خاموشی دلپذیر" اش، ۳۵. ۱۳ ایرج افشار، یوسف موسی زاده فصیح، و ابراهیم صمدانی،

۱۱ ایرج افشار، "گذشته"، فهرست مجله آینده، به کوشش محمد گلبن و با همکاری محمد افسری راد (تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار یزدی، ۱۳۸۹)، سی و پنج. ایرج افشار، آینده، سال ۷، شماره ۷ (مهر ۱۳۶۰).

۱۲ جایگاه این موسسه دیرسال در ویسبادن از شهرهای آلمان است. ۱۴ نگارنده که در آن هنگام مدرس مدرسه عالی تلویزیون و سینما



ایرج افشار، ناشناس، احسان یارشاطر، سعید نفیسی و ... منبع: گنجینه پژوهشی ایرج افشار

آنان را برانگیخت: فرانسوا ریشار از پاریس، ویکتور آکیموشکین از سن پترزبورگ... ایرج فشار، خود مقاله‌ها و گزارش‌های متعددی در آینده به چاپ رسانده است. افزون بر این، یادداشت‌های زیادی هم به ویژه در پایان مقاله‌ها و نامه‌های رسیده و گاهی به صورت مستقل و حتی بدون عنوان و امضا (به ندرت: ا.ا.) نوشته است. با توضیح استاد محمد گلبن گردآورنده فهرست آینده در مورد این رویه کم‌سابقه، می‌دانیم که آن نوشتارها، از بی‌امضا تا با حرف نخست نام، همگی از ایرج افشار است.<sup>۱۶</sup> فهرست مجله آینده، پس از سال‌ها که از تدوین آن به دست گلبن گذشته بود، اندکی پیش از درگذشت ناشر مجله و از سوی بنیاد موقوفات افشار انتشار یافت. با ورق‌زدن این فهرست، می‌توان دریافت که چه کچ‌دار و مرزهایی در کار بوده است. علاوه بر این، چنان که اشاره شد، یادداشت‌های فراوان و گاه بی‌عنوان را باید از دشواری‌های کار فهرست‌نگار و همکارانش برشمرد.

راز بستن مجله را هم کمابیش آشکار ساخت. در آخرین شماره سال ۱۳۷۰، افشار "بیماری" چشم را بهانه کرد و نوشت که آینده در سال بعد چاپ نخواهد شد. اما "مهربانی‌ها و دلسوزی‌ها" که برای او حکم "شمتات" را داشت، وادارش ساخت به انتشار مجله ادامه دهد (شماره اول سال نوزدهم). اثر و توان آن مهربانی‌ها، بیش از یک سال نبود. او خود در باره دست‌کشیدن از کار و آغاز "خاموشی دلپذیر"ش می‌گوید: به کم کاغذی و مشکلات چاپی گردن نهاده شد، تا این که عاقبت به سال ۱۳۷۲ آن را تعطیل کردم. اگرچه در سال ۱۳۷۲ نوشته بودم چون چشم یارایی نمی‌کند دست از آن می‌شویم. رفتارهای آن روزگار مرا بر اجرای آن تصمیم وا می‌داشت.<sup>۱۷</sup> این تعطیل، خلاف وقف‌نامه محمود افشار و اشاره‌های مکرر ایرج افشار به اراده‌اش برای ادامه انتشار آینده بود.

محتوای ارزنده آینده به کنار، نگاهی به فهرست طولانی نام‌های نویسندگان نشان‌دهنده اهمیت است که این نشریه در نظر فرهنگ‌مداران آفرینش‌گر ایران داشته است. برخی از آنان، پسین نوشتار خود را به افشار سپردند (پرویز ناتل خانلری، حبیب یغمایی...) و خیر درگذشت شماری از بزرگان هم آن‌گونه که در خور است، در آینده به چاپ رسید (صدیقی، خانلری، حمیدی شیرازی...). از سوی دیگر، سرشناسی افشار در میان خاورشناسان، همکاری دور و نزدیک عدّه از

فهرست مقالات حقوقی (تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۸).

<sup>۱۶</sup> متخصصان تاریخ روزنامه‌نگاری ایران عبارتند از استاد روانشاد دکتر محمد اسماعیل رضوانی، زنده‌یاد مسعود برزین، استاد محمد گلبن، استاد دکتر گوئل کهن، آقایان محمد علی رحمانی، سیدفرید قاسمی، محی‌الدین محرابی... و نگارنده که به تاریخ روزنامه‌نگاری دیگر پارسی‌نویسان نیز علاقه‌مند است.

<sup>۱۷</sup> ایرج افشار، "جریان‌های ادبی در مجلات فارسی"، راهنمای کتاب، (۷-۱۳۵۶).



ایرج افشار و نخستین کنگره ایرانشناسی در دانشگاه تهران، منبع: گنجینه پژوهشی ایرج افشار

### نقش افشار در تدوین تاریخ روزنامه‌نگاری

ایرج افشار، جز انتشار فهرست مقالات حقوقی<sup>۱۷</sup> و آن هم با همکاری دو تن دیگر، هیچ‌گاه به کاری که درسش را خوانده بود نپرداخت و در رشته‌های مختلف دیگری کار ورزید و نه تنها به جایگاه بلند رسید، بل، سر بسیاری از آن رشته‌ها در دست او بود.

در مورد تاریخ روزنامه‌نگاری - و آنچه با آن پیوند دارد مانند کارهای فنی، روزنامه‌نگاران و غیره- نیز همواره کنجکاو بود و از دور و نزدیک به برانگیختن عزیزانی که به این رشته از تاریخ عمومی دل بسته‌اند<sup>۱۸</sup> می‌پرداخت.

افزون بر این تشویق‌ها و راهنمایی‌ها که بسا با در اختیار نهادن سندی همراه بوده است، افشار، خود، کارهای مختلفی عرضه داشت که پیوستگی یا وابستگی بی‌چون و چرا با تاریخ روزنامه‌نگاری ایرانیان داشته است:

۱) نوشتن مقاله‌هایی در باره محتوای موضوعی مهم‌ترین آنها "جریان‌های ادبی در مجلات فارسی"<sup>۱۹</sup> است که به گونه ارجاع در بسیاری از پژوهش‌های دیگران مورد استفاده قرار گرفته است.

۲) تک‌نگاری‌هایی که وی در باره پدیده‌های مختلف نگاشته و یکی از برجسته‌ترینشان، پیرامون روزنامه صوراسرافیل بود و در آینده به چاپ رسید.<sup>۲۰</sup> این مقاله، به ویژه از نظر صوراسرافیل اروپا (تدوین در

ایوردون سوییس به دست دهخدا و چاپ پاریس) دارای اهمیت پژوهشی است.

۳) بازچاپ مجله کاوه برلین و آن هم از روی نسخه متعلق به حسن تقی‌زاده. ناشر، عکس‌ها و یادداشت‌های مفید و ارزنده هم افزوده است؛ اما به سبب راهنمایی نادرست محمدعلی جمال‌زاده باید روزی در مقدمه و فهرست تجدید نظر شود.<sup>۲۱</sup>

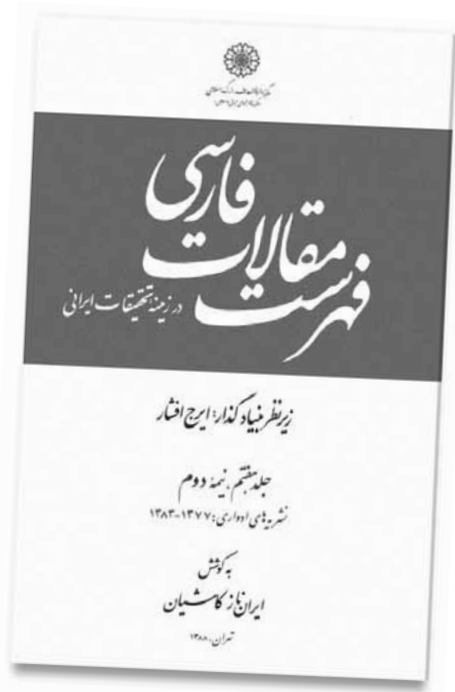
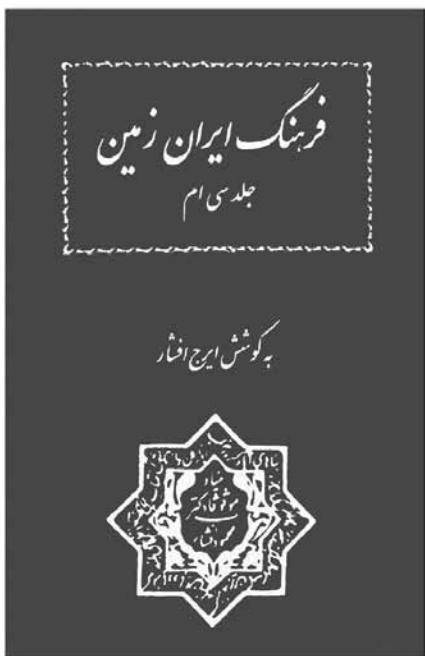
۴) انتشار مجموعه‌ای از برگ‌های کم‌یاب سند و شب‌نامه و روزنامه و ضمیمه و فوق‌العاده و غیره به نام قبالة تاریخ.<sup>۲۲</sup> گردآوری و انتشار این مجموعه، به ویژه برای تاریخ رسانه‌های چاپی ایران بسیار مفید بود.

۵) اکثر فهرست‌ها و کتابشناسی‌های افشار در مورد تاریخ معاصر، از منابع ارجاعی پژوهش در تاریخ روزنامه‌نگاری فارسی توانند بود. بدیهی است که مهم‌ترین آنها فهرست مقالات فارسی او در هفت جلد و هشت مجلد است که بر محتوای پیامدهای فارسی چاپ ایران و خارج استواری دارد. نکته بسیار مهم آنکه افشار محتوای مجله‌های فرهنگی فارسی

<sup>۱۷</sup> ایرج افشار، "پیرامون روزنامه صور اسرافیل"، آینده، ج ۵، (۱۳۵۸).

<sup>۱۸</sup> جمال‌زاده به کلی برخی از همکاران کاوه برلین همچون ابراهیم پورداود و محمود غنی‌زاده را از قلم انداخته و بسیاری از نوشتارهای بی‌امضا را از آن خود دانسته است.

<sup>۱۹</sup> قبالة تاریخ را جلد دوم خواهد بود. ایرج افشار، قبالة تاریخ (تهران: انتشارات طلایه، ۱۳۶۸).



تحقیق در تاریخ روزنامه‌نگاری و مجله‌نویسی<sup>۳۳</sup> و "کتاب‌شناسی مطبوعات فارسی"<sup>۳۴</sup> و ده‌ها یادداشت و مقاله دیگر.

۸) انبوهی از مجموعه‌های اسناد و خاطرات چاپ شده به دست ایرج افشار از اهمیت بی‌چون و چرایی در تدوین تاریخ عمومی دو سده اخیر و از جمله، تاریخ روزنامه‌نگاری ایران برخورداراند؛ به گونه‌ای که اگر انتشار آن کتاب‌ها را همت بی‌مانندش در برنامه کار نمی‌نهاد، نقص و ابهام بسیار فراوان‌تر از امروز بود. مهم‌ترین این کتاب‌ها عبارت‌اند از: روزنامه خاطرات اعتماد السلطنه (۱۳۴۹خ)، المآثر و الآثار (۱۳۶۳خ)، اوراق تازه‌اب مشروطیت (۱۳۵۹خ)، مبارزه با محمدعلی شاه (۱۳۵۹خ)، خاطرات عین السلطنه سالور (۱۳۷۷-۱۳۷۹خ).

۹) افشار در نشست‌های متعدد با کتابداران بخش مطبوعات، آنها را نخست به مجموعه‌سازی و سپس تهیه فهرست موجودی تشویق می‌کرد. بسیاری از کوشش‌هایی که در این زمینه‌ها در دو دهه اخیر صورت گرفته، با همراهی و راهنمایی او بوده است. ۱۰) همچنین هنگامی که استاد افشار ریاست کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران را برعهده داشت، "نمایشگاه یادگارنمای مطبوعات قدیم زبان فارسی" را در همان محل برگزار کرد و این، برای نخستین بار بود که در ایران چنین نمایشگاهی برگزار می‌شد.

چاپ ایالات متحده و اروپا و استرالیا را نیز معرفی کرد و اغلب آنها، از نگاه سیاسی و عقیدتی مطلوب دولت جمهوری اسلامی نبودند. وی، پا را از این نیز فراتر نهاد و مقاله‌های ایران‌شناسی مجله‌های عمومی یا سیاسی - اجتماعی برون مرزی را هم از نظر دور نداشت. این کار او، به ویژه خدمت بزرگی به اهل تحقیق بود که وسیله برای آگاهی از پژوهش‌های فارسی انجام شده در خارج را در اختیار نداشتند. ۶) باز در همان فهرست، یعنی در آغاز هر جلد و پیش از بخش‌های موضوعی، استاد افشار منابع خود را به ترتیب الفبا معرفی کرده و تاریخ و شماره‌های پیوندها را بر شمرده است. این ثبت و ضبط، بی‌اندازه برای پژوهش‌آموزان و آیندگان محقق تاریخ روزنامه‌نگاری مفید است.

۷) افشار، در زمینه یادشده کارهای ارزنده دیگری هم برای آسان‌تر کردن کار محققان انجام داده است که به ویژه در زمان انتشارشان خدمتی مهم به شمار می‌آید؛ همچون "فهرست مراجع و منابع برای

<sup>۳۳</sup> ایرج افشار، «فهرست مراجع و منابع برای تحقیق در تاریخ روزنامه‌نگاری و مجله‌نویسی»، تحقیقات روزنامه‌نگاری، ۹-۱۳۴۸.

<sup>۳۴</sup> ایرج افشار، «کتاب‌شناسی مطبوعات فارسی»، کتابداری، شماره ۳ (مرداد ۱۳۴۹).